

تحلیل نظری و ریاضی الگوی توزیع تابعی درآمد در بنگاه تک‌مالکی با نگرش اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

۳۷

سعید فراهانی فرد*

محمدهادی زاهدی وفا**

آیت‌اله زنگی نژاد***

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و سوم / شماره ۹۰ / تابستان ۱۴۰۲

چکیده

با توجه به اهمیت معیارهای کارایی و عدالت در رفتارهای اقتصادی مورد نظر اسلام و نیز نقش الگوی توزیع تابعی درآمد در کاهش فواصل درآمدی عوامل تولید و در نتیجه بهبود شرایط توزیع درآمد و ثروت در سطح جامعه، مقاله حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش است که در شرایط مالکیت انفرادی بنگاه، الگوی سهم‌بری عوامل تولید مد نظر اسلام دارای چه ویژگی‌هایی بوده و نوع مالکیت چه نقشی در این الگو دارد؟ با استفاده از رویکرد نظری-ریاضی و تجزیه و تحلیل نتایج بر مبنای تحلیل‌های عقلی و ریاضی، الگویی را بر مبنای هدف بنگاه تک‌مالکی یعنی «بهینه‌سازی سرجمع رضایت خاطر مادی و معنوی کارفرما» ارائه کرده و دریافته است که اولاً نوع هدف بنگاه ناشی از نوع مالکیت آن می‌تواند نقش بسیار مهمی در نحوه تخصیص منافع تولید بین عوامل داشته باشد؛ ثانیاً در بنگاه‌های تک‌مالکی سهم عوامل تولید نسبت به معیار اصلی اقتصاد متعارف از نظر کمیت و معیارهای کارایی و عدالت برتری دارد.

واژگان کلیدی: توزیع تابعی درآمد، مدل ریاضی، رفتار بنگاه، عوامل تولید، تابع رضایت خاطر.

طبقه‌بندی JEL: D22, D33, C60.

Email: saeed.farahanifard@gmail.com

*. استاد دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

Email: dr.zahedi@gmail.com

**دانشیار دانشگاه امام صادق (ع).

***دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه قم، دانشکده علوم اقتصادی و اداری (مقاله حاضر از رساله دکتری نام‌برده تحت عنوان «تدوین الگوی سهم‌بری عوامل تولید در اقتصاد اسلامی و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی، کاربردی از مدل‌سازی عامل-بنیان (ABM)» استخراج گردیده است).

Email: A.zn90@yahoo.com.

مقدمه

چگونگی توزیع منافع تولید میان عوامل تولید از پرسش‌های بنیادی اقتصاد به شمار می‌رفته که امروزه نیز مورد توجه می‌باشد. از جمله در مطالعات محققان مطرحی چون بنتولیل و سنت پائول (Bentolila and Saint Paul, 2003)، فلدستین (Feldstein, 2008) و آتکینسون (Atkinson, 2009) این توجه را می‌توان مشاهده کرد.

استوارت میل (mill, 1885) معتقد است قوانین و شرایط تولید ثروت از نظر طبیعی قوانین مطلق است؛ اما در مورد توزیع ثروت وضع به این منوال نیست و انسان به طور فردی یا جمعی می‌تواند هر طور که مایل باشد، قوانین توزیع ثروت را تغییر دهد. بنابراین قوانین توزیع متناسب با هر مکتب فکری می‌تواند متفاوت مطرح شود.

با عنایت به آنچه گفته شد و اهمیت عدالت و کارایی در همه سطوح اقتصادی از منظر اسلام از جمله در مبحث توزیع درآمد، تدوین الگوی سهم‌بری عوامل تولید (توزیع تابعی درآمد) سازگار با آموزه‌های اسلامی می‌تواند گامی مؤثر در بهبود نظری و کاربردی ادبیات اقتصاد اسلامی و البته کاهش عدم کارایی و بی‌عدالتی در وضع موجود توزیع درآمد جوامع اسلامی تلقی گردد. بدین سان مقاله حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هاست که الگوی سهم‌بری عوامل تولید در چارچوب باورهای اسلامی با شرط مالکیت انفرادی بنگاه، دارای چه ویژگی‌هایی بوده و نوع مالکیت چه نقشی در این الگو دارد؟ برای رسیدن به پاسخ پرسش‌ها به طور کلی از رویکرد نظری-ریاضی در تمام مراحل مطالعه بهره برده می‌شود. بنابراین در تکمیل مطالعات صورت گرفته قبلی الگوی مد نظر به صورت توابع رفتاری-ریاضی فرموله شده و نتایج بر مبنای تحلیل‌های عقلی و ریاضی تحلیل می‌گردد. در این راستا پس از بیان پیشینه مطالعات صورت گرفته، مبانی نظری مطرح شده و در ادامه در چارچوب پیش فرض‌ها و فرض‌های تدوین شده اقدام به تبیین نظری و ریاضی الگوی سهم‌بری مورد اشاره گشته و در پایان نتایج تحلیل می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

با بررسی مطالعات متعدد صورت گرفته داخلی و خارجی در باب سهم‌بری عوامل تولید موارد شاخصی که به طور مستقیم به موضوع این مقاله یعنی مدل‌سازی سهم‌بری منطبق بر

آموزه‌های اسلام پرداخته باشد، کمتر دیده می‌شود؛ بنابراین به برخی از آنها که قرابت بیشتری با هدف مقاله حاضر دارند، به شرح جدول زیر اشاره می‌گردد:

یافته‌ها	سال انتشار	محقق
با استفاده از تحلیل ریاضی، مدلی را برای توزیع درآمد تولید در اسلام ارائه کرده و نتیجه گرفته که اقتصاد اسلامی موجب رشد بیشتر، نرخ بازده بیشتر سرمایه و توزیع برابر ثروت نسبت به اقتصاد متعارف می‌گردد.	۱۹۸۵	الجرهی
در مطالعه برخی بنگاه‌های اقتصادی آمریکا نشان دادند که به‌کارگیری روش مشارکت در سود موجب تلاش بیشتر کارگران و تغییر شغل کمتر و درآمد و امنیت شغلی بیشتر آنان، بهبود روابط کاری و افزایش همکاری میان کارگران و عملکرد بهتر بنگاه‌ها می‌شود.	۲۰۱۰	کروس و همکاران (Kruse et al)
دریافته‌اند که کاهش سهم نیروی کار با افزایش نابرابری و تمرکز درآمد در آمریکا ارتباط دارد؛ به طوری که یک درصد کاهش در سهم نیروی کار، ضریب جینی را در حدود ۶۲ افزایش می‌دهد.	۲۰۱۲	جاکوبسون و اکیانو (Jacobson and Occhino)
مدل‌هایی را برای سهم نیروی کار در اقتصاد اسلامی بر مبنای روش پرداخت مبتنی بر میانگین بهره‌وری و مشارکت در سود به صورت مفهومی و ریاضی پیشنهاد داده‌اند.	۱۳۹۱	علی کرمانی و دیگران
با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی اقدام به طراحی مفهومی شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید نموده و دریافته‌اند که اجرت و سهم بازاری زمانی عادلانه‌تر است که معیارهای عدالت در دو سطح بازار	۱۳۹۵	رجایی و مهدوی وفا

<p>و اقتصاد وجود داشته باشد.</p>		
<p>با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی بیان کرده که توزیع درآمد و ثروت در اقتصاد اسلامی بر اساس معیار کار و تلاش و نیاز تنظیم گردیده و تأمین کننده عدالت می باشد.</p>	<p>۱۳۹۶</p>	<p>فراهانی فرد</p>
<p>رفتارهای عادلانه افراد در حوزه تولید را در قالب یک الگوی ریاضی تحلیل کرده و دریافته اند برای دستیابی به عدالت در سهم پیری عوامل تولید دو راهکار استفاده از نقش دولت در تعیین حداقل مزد بالاتر و نقش رفتارهای عادلانه کارفرمایان در تخصیص بخشی از سود به عنوان پاداش نیروی کار مناسب بوده و دریافته اند راهکار دوم وضعیت رفاهی نیروی کار را بدون اثر منفی بر تقاضای نیروی کار و اشتغال بهبود می بخشد.</p>	<p>۱۳۹۷</p>	<p>خاندوزی و افسری</p>
<p>با استفاده از روش تحقیق اسنادی و کتابخانه ای بیان می کنند که در صورت در نظر گرفتن یک مکانیزم عادلانه برای تعیین دستمزد نیروی کار در کنار تبیین وظایف دولت اسلامی در این خصوص، می توان نشان داد اعمال سیاست تعیین حداقل دستمزد با برقراری عدالت همخوانی ندارد، بلکه تأمین حداقل معاش نیروی کار بر عهده دولت بوده و نباید این وظیفه از طریق اعمال سیاست مذکور بر تولیدکنندگان تحمیل شود؛ بنابراین باید دولت از طریق سیاست های تأمین اجتماعی یا پرداخت یارانه مستقیم حداقل معیشت نیروی کار را تأمین نماید.</p>	<p>۱۳۹۷</p>	<p>عسگری و ذولفقاری</p>

۲. مبانی نظری

در این بخش به اختصار دیدگاه اقتصاد متعارف و سپس نگرش اسلامی در خصوص سهم‌بری عوامل تولید بیان می‌شود.

الف) دیدگاه اقتصاد متعارف

۱) نظریات عمده: آدام/اسمیت (Smith) معتقد بود کار، سرمایه و زمین در تولید ثروت مشارکت دارند. وی دستمزد را سهم کار، سود را سهم سرمایه و بهره مالکانه را سهم زمین می‌داند (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص ۶۵-۶۷). ریکاردو توزیع درآمد را بین سه سهم عمده بهره مالکانه (رانت) برای مالک زمین، دستمزد برای کارگر و سود برای صاحب سرمایه توزیع می‌کند؛ همچنین سود از نظر وی پسمانده درآمدی است که پس از توزیع دستمزد و رانت، عاید سرمایه‌دار می‌گردد (داب، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲-۱۰۳). استوارت میل بین حوزه تولید و توزیع یک تفاوت چشمگیر قایل شده و معتقد است عملکرد واقعی قانون اقتصادی مختص تولید است نه توزیع و تولید از روابطی که ریشه در قوانین طبیعی ثابت و لایتغیر دارند سرچشمه می‌گیرد؛ اما قوانین توزیع، قوانینی نسبی‌اند و از این رو وضعیت توزیع توسط نهادهای انسانی و تصمیمات اجتماعی مثل قوانین مالکیت و قوانین ارث قابل تغییر می‌باشد (تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳). تحلیل نهایی گرایان در مورد توزیع چنین است که در بازار رقابتی بنگاه در صورتی عامل تولید را تقاضا می‌کند که هزینه نهایی عامل مزبور از بهره‌وری نهایی‌اش کوچک‌تر یا با آن برابر باشد. در سوی مقابل، عرضه نیروی کار تا وقتی ادامه دارد که مطلوبیت پاداشی که وی بر اثر عرضه یک واحد بیشتر از نیروی کار خود دریافت می‌کند، از مطلوبیت فراغت ازدست‌رفته‌اش بزرگ‌تر باشد. صاحب سرمایه هم تا جایی که عرضه سرمایه می‌پردازد که دریافتی او برای آخرین واحد، از هزینه فرصت سرمایه بیشتر باشد، بنابراین کلارک (Clark) دستمزد نیروی کار را تابعی از تولید نهایی وی دانسته که در شرایط رقابتی به کارگر دستمزدی پرداخت می‌شود که برابر با ارزش مشارکت وی در فرایند تولید باشد. ویکستید (wicksteed) نیز نشان داد حداقل در شرایط بازدهی ثابت به مقیاس، درآمد عوامل تولید با ارزش کل محصول برابر خواهد بود (شاگری و مالکی، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

۲) معیارهای توزیع درآمد

در اقتصاد متعارف به طور عمده سه معیار اصلی در توزیع درآمد مطرح بوده و مورد بحث قرار گرفته که به اختصار از این قرار می‌باشد:

۱- معیار مبتنی بر شایستگی و لیاقت

به عقیده ارسطو امری بدیهی است که افراد نابرابر و نامساوی، سهمی نامساوی ببرند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۱۵). نابرابری‌ها عمدتاً از تفاوت‌های ذاتی در قدرت کسب درآمد، تفاوت‌های رجحان فردی و انتخاب بین کار و فراغت ناشی می‌شود. در این میان نابرابری‌هایی که از ناحیه فرصت‌های اولیه متفاوت آموزشی یا موقعیت خانوادگی ناشی می‌گردد، قابل قبول نخواهد بود (ماسگریو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۲).

در اینجا استحقاق و شایستگی مبنای ارزش است و افراد در مکانیسم بازار بر اساس مقدار تلاش، نوع انتخاب و میزان ریسکی که متحمل شده‌اند، مستحق دریافت درآمد می‌گردند. این معیار با ارزش‌گذاری بازار آزاد تعیین و تبیین می‌شود؛ بنابراین مکانیسم بازار نقش محوری در این معیار ایفا می‌نماید (Hayek, 1960, 91-95).

۲- معیار مبتنی بر مطلوبیت

مطلوبیت‌گرایان از جمله بنتام (Bentham) معتقدند درآمد باید به گونه‌ای توزیع شود که مطلوبیت کل در جامعه به حداکثر برسد. اینکه مجموعه مطلوبیت‌ها بین افراد به چه نحوی توزیع شود، اصلاً مهم نبوده، مهم آن است که مطلوبیت کل حداکثر شود.

۳- معیار مبتنی بر مساوات

این معیار قادر به به‌تصویرکشیدن چند حالت برای توزیع درآمد است. یک نگاه افراطی، برابری کامل است؛ بدین مفهوم که همه اعضای جامعه فارغ از موقعیت، توانایی و انگیزه‌های خود، درآمدی یکسان داشته باشند. نگاه دیگر، توزیعی است که در آن رفاه تک‌تک افراد در جامعه به سطحی برابر برسد (ماسگریو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۷).

نگرش دیگر، نگاه جان راولز (Rawls) است که می‌گوید درآمدها باید به نحوی توزیع شود که برابری به وجود آید. نابرابری تا زمانی عادلانه خواهد بود که به اعطای منافع به همه افراد به‌خصوص به محروم‌ترین طبقه جامعه منجر شود (راولز، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

ب) دیدگاه اقتصاد اسلامی

مهم‌ترین دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی در خصوص توزیع تابعی درآمد به این شرح است:

۱) نظریات عمده

در اقتصاد متعارف با قواعد تعاملی همگن مواجه‌ایم؛ چراکه تنها یک رابطه حقوقی در آن تعریف شده و فرد یا صاحب ابزار تولید است که سود و مازاد به او تعلق می‌گیرد یا صاحب ابزار تولید نیست که فقط دستمزد ثابت دریافت می‌کند، در دیدگاه متفکران اسلامی از جمله شهید صدر (ره) نحوه سهم‌بری عوامل تولید بستگی به نوع قرارداد منعقد دارد و بر خلاف سایر مکاتب قواعد تعامل میان صاحبان عوامل تولید ناهمگن است (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴-۱۵)، قراردادهای اسلامی مبنای برقراری عدالت توزیعی بوده که بر اساس نحوه سهم‌بری صاحب سرمایه می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- عامل و صاحب سرمایه در محصول شریک‌اند و هر کدام نسبتی عادلانه مبتنی بر معیارهای مورد قبول اسلام - همچون میزان کار و تلاش یا نیاز ضروری عامل - از محصول را که قبلاً توافق کرده‌اند، دریافت می‌کنند. البته عامل فقط در سود، شریک است نه در زیان؛ زیرا در این حالت، عامل نقش امین را داشته و امانت بودن سرمایه در دست امین آثار حقوقی فراوانی دارد؛ از جمله اینکه در صورت بروز ضرر در سرمایه، چنانچه عامل کوتاهی نکرده باشد، ضامن نخواهد بود و این ضرر متوجه صاحب سرمایه است - مانند مضاربه.

۲- برخی عقود مانند اجاره و جعاله مبتنی بر پرداخت سهم عوامل به صورت اجرت تنظیم می‌گردند.

۳- در عقد قرض به صاحب سرمایه چیزی تعلق نمی‌گیرد و سود و ضرر متوجه قرض‌گیرنده شده، او ضامن بازگرداندن عین نیز می‌باشد.

می‌توان این گونه برداشت کرد که سهم صاحب سرمایه از محصول می‌تواند متغیر، ثابت و حتی گاهی صفر باشد. بر همین مبنا ایشان نحوه پرداخت پاداش در عقود اسلامی را به دو صورت روش دستمزد ثابت و روش شرکت در منافع پیشنهاد می‌دهند که نتایج این روش را تنظیم‌کننده عدالت به عنوان یکی از اهداف اصلی اقتصاد اسلامی، بهبود کارکرد اقتصادی، تقویت روحیه کارکنان، افزایش مشارکت نیروی کار و افزایش بازدهی تولید می‌دانند (عیوضی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۶).

منذر قحف (Monzar Qahf) رویکرد اسلام به توزیع تابعی درآمد را وابسته به توزیع قبل از تولید دانسته، در این خصوص بر انواع مالکیت در اسلام تأکید می‌کند و علاوه بر مالکیت شخصی دو نوع مالکیت عمومی و دولتی را شرعی می‌داند که حقوق مالکیت قدرت عرضه و تصمیم‌گیری را به مالک اعطا می‌کند. به عقیده وی اسلام حداقل هر چهار عامل تولید را که در اقتصاد متعارف بحث می‌شود، به رسمیت می‌شناسد (نیروی کار، زمین، سرمایه و مدیریت). وی در خصوص سهم پول از عواید تولید می‌گوید نظریه نئوکلاسیک طبق اصول نظریه/ولر پول را از عوامل تولید ندانسته، سهمی از محصول به آن نمی‌دهد. در دیدگاه اسلامی نیز پول طبق دو اصل «استمرار مالکیت» و «گردش معاملات» به عنوان یک عامل ریسک‌پذیری تولید عمل می‌کند. زمانیکه دارایی‌ها در خرید و فروش زمین، نیروی کار یا سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرند، مالک پول، مالک این عوامل شده، در نتیجه حقی برای صاحب پول، روی عواملی که واقعاً در فرایند تولید شرکت دارند، ایجاد می‌کند که این حق با استفاده از محصول تحقق یافته که حاصل از نهاده صاحب پول است، اندازه‌گیری می‌شود (Qahf, 2014, p.262).

صدیقی (۱۳۷۵)* عوامل تولید را بر مبنای خصوصیات ذاتی آنها در مواجهه با ریسک و عدم اطمینان و همانندی از نظر عرضه خدمات به دو دسته نیروی کار و دارایی تقسیم‌بندی کرده که این عوامل بر پایه عرضه و تقاضای عوامل، دستمزد و اجاره دریافت کرده و باقیمانده درآمد در سهم کارفرما قرار می‌گیرد و هر عامل پاداش خود را بر مبنای عملکرد خویش دریافت می‌کند.

الجنید (۱۳۷۵) معتقد است پاداش عوامل تولید باید بر مبنای نقش عامل در ایجاد سود بنگاه پرداخت شود که اگر این پاداش به دلیل مهارت‌های واقعی عامل باشد، بنگاه را قادر به رقابت کرده، موجب ایجاد سود می‌گردد. حال اگر پاداش به گونه‌ای تعریف شود که شامل معنویات نیز گردد، منحنی عرضه عوامل دارای کشش بیشتری شده و بنابراین ساعات کار بیشتری از جانب عامل تولید ارائه خواهد شد.

*. برداشتی از کتاب اقتصاد خرد با نگرش اسلامی به قلم سیزده اقتصاددان، ترجمه حسین صادقی،

ابوالحسن صادق (Sadeq, 1989) بیان می‌کند که نیروی کار در اسلام قابل خرید و فروش نیست و عامل دارایی‌های فیزیکی نیز عاملی جدید در تولید باز تعریف می‌شود (شامل مواردی که در اقتصاد رایج به عنوان سرمایه شناخته می‌گردد)؛ به گونه‌ای که این عامل تحت عنوان ابزار مادی قابل استفاده مجدد در فرایند تولید بوده و بر مبنای اجاره ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی در ادامه عامل سوم دخیل در تولید را تحت عنوان سرمایه شامل ابزار مالی دخیل در تولید تعریف می‌کند.

وی اصول قیمت‌گذاری عوامل تولید را عدالت و کمیابی می‌داند؛ به نحوی که عدالت، قیمتی را ایجاب می‌کند که متناظر با سهم مشارکت عامل تولید باشد و کمیابی به نیروهای بازار در تعیین قیمت اشاره دارد. با توجه به اصول مورد اشاره نرخ دستمزد نیروی انسانی در حد فاصل ارزش نهایی تولید و ارزش متوسط تولید عامل قرار می‌گیرد که نرخ واقعی پرداختی به میزان تأکید بر عنصر انسانی توسط کارفرما یا حداقل مزد قانونی برای تأمین نیازهای اولیه با توجه به محدودیت حداقل سودآوری بستگی دارد. ایشان برای دارایی‌های فیزیکی بازدهی ثابت را مجاز می‌داند، حتی اگر بر اثر فعالیت زیان حاصل شود؛ چراکه این دارایی‌ها بر اثر استفاده دچار استهلاک می‌شوند که باید جبران گردد؛ در حالی که این امر شامل حال عامل سرمایه مالی نمی‌شود؛ زیرا پول مستهلک نمی‌گردد. در دیدگاه او قیمت سرمایه مالی و کارفرما به طور همزمان تعیین می‌شود؛ به نحوی که باقیمانده درآمد پس از کسر مبالغ پرداخت شده به سایر عوامل تولید به آنها پرداخت می‌گردد. سهم هر یک از این دو عامل از قبل تعیین می‌شود؛ در حالی که مقادیر واقعی پرداختی به آنها بعد از اتمام عملیات مشخص می‌گردد.

۲) معیارهای توزیع درآمد

۱- توزیع عادلانه: فارابی عدالت را تناسب یا قراردعی هر چیزی در جای خود و پرهیز و دوری از افراط و زیاده‌روی و نقصان می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۰). وی نه تنها این قاعده را برای کالاها صحیح و جاری می‌داند، بلکه در مورد خدمات نیز آن را طرح می‌کند. بنابراین کسی که برای کسب علم و دانش کار و زحمت بیشتری متحمل شود، عدالت اقتضا می‌کند که درآمد بالاتری نسبت به افرادی که از علم و دانش کمتری برخوردارند، دریافت کند.

ابن‌خلدون عدالت را به معنای رعایت اعتدال و حد وسط و رعایت استحقاق‌ها مطرح کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰).

عدالت توزیعی در نگاه شهید صدر تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمع ثروت در دست طبقه خاص و تلاش برای فراهم کردن امکانات و فرصت تولید برای همگان می‌باشد. طبق دیدگاه ایشان اصل مهم برای حق سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدها، کار مفید و مشروع اقتصادی است (قپانچی، ۱۳۶۲، ص ۳۴).

نحوه توزیع عادلانه در اسلام با مفهوم حق‌گرفته‌خورده و در سیره معصومان علیهم‌السلام عدالت در معانی رعایت شایستگی‌ها، رعایت حقوق و رفع تبعیض به کار رفته که در تمامی آنان یک رابطه مستقیم میان عدالت و حق به چشم می‌خورد؛ از جمله **نهج البلاغه** (نامه ۵۹ و ۷۰)؛ بنابراین رعایت عدالت مستلزم آن است که هر حقی به صاحب آن داده شود؛ توزیع عادلانه نیز می‌تواند از این رویه پیروی کند که اگر کسی بیشتر از حق خود یا کمتر از آن دریافت کند، این توزیع، ناعادلانه تلقی می‌شود.

۲- **توزیع بر مبنای شایستگی و تلاش:** در این بخش، توزیع درآمد حاصل‌شده از فرایند تولید، به تناسب کارکرد عوامل تولیدی سهم در آن صورت می‌گیرد، این نحوه توزیع به هر یک از عوامل تولیدی، به قدر شایستگی و لیاقتی که در فرایند تولید از خود برود داده‌اند سهمی از درآمد را اختصاص می‌دهد که باید به یکسری از مبانی حقوقی اسلام در این باب توجه کرد:

- وکالت در حیات منابع طبیعی و سایر اقسام کار بر روی منابع طبیعی مثل احیای زمین موات، پذیرفته نیست و محصول حاصل شده مختص به کسی است که کار توسط او انجام پذیرفته باشد، البته به نظر برخی از فقها، اجاره افراد برای این منظور جایز می‌باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱-۲۱۱).

- مالک ماده اولیه، مالک کل محصول است و مالک ابزار تولید تنها مستحق اجرت است (اصل ثبات مالکیت).

- در صورت موافقت مالک مواد اولیه این امکان وجود دارد که از طریق قراردادهای شرعی مانند مضاربه، شرکت، مساقات و مزارعه و براساس ترکیب کار و سرمایه، در محصول و درآمد حاصل شده مشارکت نمود (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹-۲۰۸). از طرفی میزان سهم هر یک از عوامل تولید از طریق عرضه و تقاضا در بازار اسلامی تعیین می‌شود که عرضه و تقاضا

در بازار کالا، قیمت آن را معلوم ساخته، عرضه و تقاضا در بازار کار، دستمزد نیروی کار را مشخص کرده، عرضه و تقاضا در بازار سرمایه پولی، سهم صاحبان پول را تعیین می‌کند (ندری و قلیچ، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). بنابراین نرخ دستمزد را می‌توان بر حسب روش دستمزد ثابت یا دستمزد به علاوه درصدی از محصول حاصل شده تعیین کرد. در نظام اسلامی اگر کارفرمایان ضوابط و شرایط معاملات اسلامی را رعایت کنند، این معیار و شیوه تعیین و توزیع سهم عوامل تولید منافاتی با چارچوب اقتصاد اسلامی نخواهد داشت (همان، ص ۲۱۳). سهم کردن نیروی کار در درآمد و سود حاصله، باعث افزایش انگیزه و افزایش سود و نیز افزایش ضریب تکاثری سرمایه‌گذاری می‌شود (توتونچیان، ۱۳۸۰، ص ۳۲۸).

دارایی مالی در اقتصاد اسلامی همچون پول نقد زمانی دارای عایدی می‌شود که در فعالیت‌هایی به کار رود که از نظر شرع مقدس مردود نباشد. در شرایطی که تعیین نرخ بهره قطعی برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تضمین شده، ربا تلقی شده و به دلیل حرمت قطعی شرعی آن، هیچ گونه بازدهی به آن تعلق نخواهد گرفت؛ در عین حال دارنده دارایی مالی انتظار دارد در ازای منابعی که در فرایند تولید و ایجاد ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری می‌کند، سهمی عادلانه دریافت نماید. این میزان درآمد که سود طبیعی نامیده می‌شود، با بهره قراردادی که ربا تلقی می‌گردد، متفاوت بوده، منافاتی با نظریه‌های اقتصاد اسلامی ندارد (همان).

در هر حال با توجه به موارد مطرح شده به نظر می‌رسد مبنای اصلی در معیار توزیع عادلانه، تأمین حقوق افراد، رفع تبعیض در توزیع، میزان کار مفید و رعایت اعتدال می‌باشد؛ در حالی که معیار شایستگی بر پایه کار مفید و میزان کارایی افراد بنا شده است. یکی از مهم ترین مولفه‌های تعیین کننده حق در توزیع عادلانه، میزان شایستگی افراد می‌باشد. به عبارت دیگر تحقق شایستگی می‌تواند موجب ایجاد حق گردد؛ لذا در واقع توجه به معیار شایستگی در توزیع می‌تواند به نوعی تأمین کننده بخش مهمی از توزیع عادلانه نیز باشد و از این منظر می‌توان این دو دیدگاه را مکمل هم دانست.

بنابراین در جمع بندی نهایی با توجه به تمرکز مقاله حاضر بر دو بعد کارایی و عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، از میان معیارهای مطرح شده، به نظر می‌رسد معیار شایستگی به شرط رعایت موازن شرعی در بازار، در تعامل با معیار عدالت توزیعی می‌تواند در ایجاد توازن

اجتماعی، با موازینی که از مکتب اسلام سراغ داریم، تعارضی نداشته، محور بحث مدل‌سازی این مقاله قرار گیرد.*

ج) اهداف تولیدکننده مسلمان

بر خلاف اقتصاد متعارف در نگرش اندیشمندان اسلامی تمرکز بر حداکثرسازی سود همیشه مناسب نیست؛ به نحوی که اقتصاددانان مسلمان اهداف مختلفی را برای تولیدکننده مسلمان بیان کرده‌اند. تحف (۲۰۱۴) و عزتی (۱۳۸۹) انگیزه تولیدکننده را رسیدن به مجموع مطلوبیت دنیوی و اخروی دانسته‌اند که از راه کسب سود برای تأمین نیازهای دنیوی و انجام هزینه در راه خدا به دست می‌آید. بن‌جلالی و طاهر (۱۹۹۰) هدف را کسب حداکثر مطلوبیت دانسته و مطلوبیت را تابع سود و رفاه عمومی دانسته و بیان کرده‌اند که افزایش محصول رفاه عمومی را افزایش می‌دهد. برخی نیز مانند اقبال (۱۹۹۲) و میرمعزی (۱۳۸۳) هدف تولیدکننده را حداکثرسازی سود دانسته و گفته‌اند در صورتی که ماهیت کالا با توجه به هزینه فرصت آن برای جامعه مقبول باشد، حداکثرسازی سود می‌تواند هدف اصلی باشد. برخی دیگر از محققان مانند صدیقی (۱۹۷۹) و تقوی (۱۹۸۱) حداکثرسازی مقید سود را هدف تولیدکننده دانسته‌اند (عزتی، ۱۳۸۹، ص ۳۸-۴۰). برخی دیگر نیز حداکثرسازی محصول را هدف اصلی دانسته‌اند مانند منان (۱۹۹۲) و اختر (۱۹۹۳) و عده‌ای هم مانند عباس (۱۹۹۵) چند هدف را در کنار حداکثرسازی سود قرار داده‌اند.

با توجه به اختلاف نظرهای مطرح شده عسگری و زنگی‌نژاد (۱۳۹۲) با آسیب‌شناسی موارد مذکور، یکی از عوامل اصلی این پراکندگی نظرات را در لحاظ نکردن تأثیر نوع مالکیت بنگاه بر تعیین هدف و نحوه رفتار مطابق با آن هدف دانسته و در ادامه با توجه به عوامل متعددی چون تأثیرات اهداف کلان جامعه اسلامی -مانند استقلال، خودکفایی، برنامه‌های توسعه‌ای، نیازهای ضروری مردم برای اشتغال یا مبارزه با تورم و...- بنگاه‌های تولیدی را به سه دسته تقسیم کرده و برای هر دسته هدفی جداگانه فرض نموده‌اند. هدف بنگاه تک‌مالکی

*. از آنجا که شایستگی و کارایی را می‌توان دو روی یک سکه دانست و رعایت شایستگی در توزیع را شرطی لازم برای عادلانه بودن توزیع فرض نمود، سعی می‌شود تا حد امکان از استفاده مکرر کلمات کارایی و عدالت در متن مقاله پرهیز شود.

را حداکثرسازی سرجمع تابع رضایت خاطر دنیا و آخرت دانسته‌اند؛ زیرا در این بنگاه‌ها همه عوامل تولید در تملک یک فرد بوده و همه تصمیمات در خصوص تولید به وسیله او اتخاذ می‌شود و معمولاً او مالک و مدیر بنگاه بوده و همه مخاطرات تصمیماتش بر عهده خودش می‌باشد. انگیزه‌هایی مانند کسب درآمد و سود، تأمین مایحتاج جامعه، ایجاد اشتغال و غیره وی را ترغیب به شروع کار تولیدی می‌کند. اما در ادامه با توجه به سطح ایمان به خداوند، سعی در کسب حداکثر رضایت از تولید خود خواهد داشت که حداکثر رضایت او تابعی مستقیم از حداکثر سود مادی و حداکثر رضایت معنوی خواهد بود (Abdullah yosef and Mohammad Amin, 2007, p.6). حداکثر سود مادی تابعی از حداکثر سطح تولید با قید هزینه‌های حداقلی بوده و رضایت خاطر معنوی تابع رفتارهای خیرخواهانه‌ای است که فرد انجام می‌دهد. آنان با توجه به ماهیت بنگاه‌ها هدف چندمالکی - شامل سهامی و تعاونی و مانند آنها- را حداکثرسازی سود مقید - یعنی با رعایت ارزش‌ها و اصول شرعی و اخلاقی در کنار محدودیت‌های فنی تولید دانسته و هدف بنگاه‌های دولتی (شامل دو نوع مالکیت دولتی و عمومی) را حداکثرسازی محصول مقید یعنی با رعایت ارزش‌ها و اصول شرعی و اخلاقی در کنار محدودیت‌های فنی تولید - لحاظ کرده‌اند.

بنابراین مالکیت بنگاه به عنوان یکی از عوامل مهم در تعیین هدف تولیدکننده توانسته به نوعی بر گسستگی بحث‌های اهداف تولیدکننده سامان ببخشد. از طرفی روشن است که لحاظ کردن هزینه‌های رعایت اهداف کلان جامعه در رفتار تولیدکننده هزینه‌هایی را به سایر هزینه‌های تولید می‌افزاید که آنها این هزینه (SMCoost) را در نظر گرفته و در تحلیل رفتار تولیدکننده به کار برده‌اند. درنهایت با توجه به وابستگی بدیهی توزیع درآمد تولید به انگیزه‌های تولید بنگاه، نگارندگان مقاله حاضر بر آن شده‌اند الگوی سهم‌بری مد نظر اسلام را بر پایه این دیدگاه بسط و ارائه کنند.

۳. مدل‌سازی

با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده و پیش‌فرض‌های اصلی ذیل، قصد بر این بوده مدلی سه‌بخشی برای سهم‌بری عوامل تولید در اسلام با محوریت نوع مالکیت بنگاه ارائه شود که در مقاله جاری تنها به توزیع درآمد در بنگاه‌های تک‌مالکی پرداخته می‌شود.

الف) پیش فرض‌ها

به منظور ارائه الگویی کارآمد، ابتدا جهت به تصویر کشیدن فضایی که الگو برای اجرای صحیح به آن نیاز دارد، چهار پیش فرض مطرح می‌شود که اولاً الزامی برای مشاهده آثار مستقیم آنها در الگو تعریف نشده و قصد بر این بوده تا آثار آنها معمولاً به صورت غیرمستقیم در رفتار عاملان اقتصادی ظهور یابد. ثانیاً این پیش فرض‌ها عمدتاً بر اساس اصل بدیهی پذیرفته شده اسلام یعنی اعتقاد به معاد و البته ربانیت پروردگار و در نتیجه تلاش برای کسب رضایت خداوند در رفتارهای مسلمانان مطرح گردیده است؛ از جمله آیه مبارکه ۷ یونس، ۲۸-۲۹ نجم، ۱۶ رعد و ۱۶۲ انعام که سعی شده است پیش فرض‌ها تضادی با باورهای اسلامی نداشته، امکان‌پذیری الگو را میسر نمایند.

۱- الگو در محیط جامعه اسلامی رخ می‌دهد؛ بنابراین هر یک از افراد جامعه با توجه به درجه ایمان خود در سطوح گوناگونی به وظایف دینی و اخلاقی فردی و اجتماعی خویش عمل کرده و با انگیزه کسب رضایت الهی در پی بهینه کردن مجموع رضایت خاطر مادی و معنوی خویش‌اند.

۲- با عنایت به آیات مبارکه قرآن کریم از جمله آیه ۳۸ روم و ۳۹ سبا هر گونه تحمل هزینه مادی برای کسب رضایت خداوند را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری معنوی محسوب کرد که می‌تواند بر مجموع رضایت خاطر مادی و معنوی هر مسلمان تأثیر مستقیم بگذارد.

۳- با توجه به تأکید اسلام بر نوع دوستی و وقف و آثار آنها در زندگی دنیوی و اخروی مسلمین در قرآن کریم همانند آیات مبارکه ۲۹ فاطر، ۲۷۳ بقره، ۱۲ مائده و ۴۰ نساء، با در نظر گرفتن عامل ترجیحات اجتماعی ناشی از باورهای اسلامی در تابع رضایت خاطر هر عامل، فرض می‌شود که رضایت خاطر هر مسلمان علاوه بر درآمد خویش می‌تواند به رضایت خاطر سایر افراد سهمیم در تولید نیز بستگی داشته باشد که این موضوع در برخی مطالعات اقتصاد اسلامی همچون *خاندوزی و افسری (۱۳۹۶)* نیز مشاهده می‌شود.

۴- جهت امکان تحلیل بین دوره‌ای فرض می‌شود هر عامل برای لحاظ کردن رضایت خاطر سایر عوامل در تابع رضایت خاطر خود به درآمد و کارایی دوره گذشته آن عوامل توجه می‌نماید؛ زیرا مدل قصد دارد آثار کارایی هر عامل در دوره $t - 1$ بر درآمد خودش

و سایر عوامل در دوره t را به منظور برجسته‌تر کردن نقش انگیزشی ورود رضایت خاطر و سایر عوامل در تابع رضایت خاطر یک عامل معین بهتر نمایان سازد.

ب) مدل پایه

بحث از تابع رضایت خاطر عوامل اصلی مؤثر بر تولید شروع می‌شود. با توجه به فرض‌های مطرح‌شده، هر یک از عوامل در پی بهینه‌کردن سرجمع رضایت خاطر مادی و معنوی خود می‌باشد که فرض می‌شود رضایت خاطر معنوی با در نظر گرفتن تأمین رضایت خاطر سایر عوامل در تابع رضایت هر عامل تأمین می‌گردد.

$$U_F = F(U_1, U_2) \quad -1$$

در رابطه یک U_1 رضایت خاطر خود عامل و U_2 رضایت خاطر سایر عوامل و U_F رضایت خاطر یک عامل خاص می‌باشد که اگر معیار اندازه‌گیری U_i درآمد عامل در نظر گرفته شود، رضایت خاطر هر عامل تابعی مستقیم از درآمد خود و درآمد سایر عوامل خواهد بود؛ پس می‌توان تابع رضایت خاطر کارفرما (U_M) را به عنوان عامل محوری این مدل مشتمل بر رضایت خاطر شخصی وی (U_{SM}) و رضایت خاطر سایر عوامل تولید (U_{OF}) به صورت رابطه ۲ تعریف نمود.

$$U_M = U_{SM} + U_{OF} \rightarrow \Delta U_{SM} > 0, \Delta U_{OF} > 0 \quad -2$$

اگر مطلوبیت عوامل با درآمد نشان داده شود، آن‌گاه رابطه ۲ به صورت رابطه ۳ برقرار می‌شود.

$$U_M = I_{SM} + \delta \cdot I_{OF} \rightarrow 0 < \delta \leq 1 \quad -3$$

در رابطه فوق ضریب δ همانند مطالعه *خاندوزی و افسری (۱۳۹۶)* به عنوان شاخص دگرخواهی یا نوع‌دوستی کارفرما در نظر گرفته شده تا میزان اهمیت رضایت خاطر سایر عوامل را در تابع رضایت خاطر کارفرما نشان داده، شاخصی برای عادلانه‌تر کردن توزیع تابعی باشد که با توجه به پیش‌فرض اول، همواره بزرگ‌تر از صفر بوده و در صورت میل به یک، نشان‌دهنده عادلانه‌تر بودن توزیع خواهد بود. رابطه بالا بیان می‌کند که رضایت خاطر کارفرما با درآمد شخصی وی از تولید به اضافه درصدی از درآمد سایر عوامل تولید اندازه‌گیری می‌شود که با فرض اینکه قیمت محصول برابر با یک باشد، تولید با درآمد یکسان در نظر

گرفته می‌شود و چون تولید تابعی از انواع نیروی کار -از جمله کارفرما- و انواع سرمایه به صورت زیر است.

$$q = F(L_i, K_i) \quad -۴$$

کارفرما ابتدا بخشی از درآمد تولید را با توجه به سهم هر عامل در فرایند تولید و شاخص نوع دوستی خود بین سایر عوامل تولید تقسیم می‌کند و در صورتی که خود به تنهایی مالک بنگاه باشد، باقیمانده، سهم خودش خواهد بود؛ بنابراین رابطه ۳ را می‌توان معادل رابطه ۶ در نظر گرفت که در آن بخش اول -یعنی $(I_{L_i} \cdot L_i + I_{K_i} \cdot K_i) - q(L_i, K_i)$ معادل سهم کارفرماست که برابر با باقیمانده تولید پس از کسر سهم سایر عوامل می‌باشد. اما بخش دوم -یعنی $(\delta \cdot (I_{L_i} L_i + I_{K_i} K_i))_{t-1}$ بیانگر درصدی از سهم تعلق گرفته به سایر عوامل است که با برقراری رابطه ۵ -بر اساس پیش فرض چهارم- به صورت معادل با درآمد عوامل در دوره گذشته نشان داده شده است.

$$\delta \cdot I_{OF} \cong F(I_{OF_{t-1}}) \quad -۵$$

$$U_M = q(L_i, K_i) - (I_{L_i} \cdot L_i + I_{K_i} \cdot K_i) + \delta \cdot (I_{L_i} L_i + I_{K_i} K_i)_{t-1} \quad -۶$$

حال اگر از تابع هدف نسبت به عوامل تولید مشتق جزئی مرتبه اول گرفته شود، روابط

زیر به دست می‌آید:

$$\frac{\partial U_M}{\partial K_i} = \frac{\partial q}{\partial K_i} - I_{K_i} + \delta \cdot I_{K_{t-1}} = 0 \quad -۷$$

$$\frac{\partial U_M}{\partial L_i} = \frac{\partial q}{\partial L_i} - I_{L_i} + \delta \cdot I_{L_{t-1}} = 0 \quad -۸$$

با حل روابط ۷ و ۸ برای I_{L_i} و I_{K_i} روابط ۹ و ۱۰ به دست می‌آید:

$$I_{L_i} = \frac{\partial q}{\partial L_i} + \delta \cdot I_{L_{t-1}} \quad -۹$$

$$I_{K_i} = \frac{\partial q}{\partial K_i} + \delta \cdot I_{K_{t-1}} \quad -۱۰$$

روابط ۹ و ۱۰ بیان می‌کنند که درآمد دوره جاری انواع عوامل به ازای هر واحد کالا برابر است با تولید نهایی عامل به اضافه درصدی از درآمد دوره قبلی آن عامل. در صورتی که شاخص نوع دوستی کارفرما برابر با صفر شود، آن‌گاه درآمد عوامل تنها بر اساس تولید نهایی آن عوامل تعیین خواهد شد که با توجه به فرض بزرگ‌تر از صفر بودن شاخص نوع دوستی، درآمد انواع عوامل تولید در هر اندازه δ ، می‌تواند از معیار اقتصاد متعارف یعنی برابری دستمزد و بهره‌وری نهایی عامل، بیشتر باشد که این مقدار اضافه از محل سود بنگاه تأمین

می‌شود که طبیعتاً موجب کاهش سود وی خواهد شد. بنابراین می‌توان این گونه برداشت کرد که پرداخت سهم عوامل بر مبنای تولید نهایی عوامل به اضافه درصدی از سود کارفرما متناسب با تولید نهایی دوره گذشته عوامل، به نوعی روش پرداخت مشارکت در سود را تشویق می‌کند که در آن، دو ویژگی کارایی و عدالت توزیعی مد نظر مطالعه حاضر قابل مشاهده می‌باشد.

در ادامه با توجه به هدف مقاله، مدل پایه ارائه شده، برای بنگاه تک مالکی تشریح می‌شود:

ج) معیار سهم‌بری عوامل تولید در بنگاه‌های تک‌مالکی

با توجه به مبانی نظری، بنگاه در تلاش است تابع رضایت خاطر خود را به صورت زیر حداکثر نماید.

$$MaxU_t = M_i + IM_i \quad -11$$

در رابطه بالا IM_i نشان‌دهنده اقداماتی است که منجر به کسب رضایت خاطر غیر مادی (معنوی) می‌شود (Immaterial) و M_i نشان‌دهنده اقداماتی است که منجر به کسب رضایت خاطر دنیوی (Material) می‌شود. بنگاه در این حداکثرسازی با محدودیت مخارج، محدودیت‌های اخلاقی - شرعی و البته محدودیت‌های ناشی از حرکت در مسیر اهداف کلان جامعه اسلامی (SMC) مواجه می‌باشد که به نوعی حداکثر رضایت خاطر مادی و معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فی الحال برای سهولت در تحلیل مدل سه فرض زیر به پیش‌فرض‌های مدل پایه اضافه می‌شود.

۱- مطابق نیاز مقاله، رفتار نوع‌دوستانه در توزیع منافع تولید، نماینده رفتارهای منجر به کسب IM_i فرض می‌شود؛ به عبارت دیگر بخش IM_i در رابطه بالا معادل با میزان سود چشم‌پوشی شده کارفرما در قالب رفتار نوع‌دوستانه وی در نظر گرفته شده که در واقع او با نوع‌دوستی قصد کسب رضایت خاطر غیرمادی را دارد. قابل توجه اینکه کلیه رفتارهای خیرخواهانه کارفرما - از قبیل سرمایه‌گذاری مطابق نیازهای مردم جامعه، کمک به تأمین استقلال و خودکفایی جامعه، افزایش میزان کار و بهره‌وری شخصی، کمک مالی به کارکنان بنگاه و... - می‌تواند منجر به افزایش رضایت خاطر معنوی وی شود.

۲- فرض می‌شود اعمال مرتبط با هزینه‌های SMC به گونه‌ای در رفتارهای منجر به کسب رضایت خاطر معنوی نهفته است. پس رفتار نوع دوستانه در توزیع درآمد تولید، آن هزینه‌ها را نیز پوشش می‌دهد؛ بنابراین به صورت ظاهری این نوع هزینه در الگو مشاهده نمی‌شود.

۳- فرض می‌شود که حداکثر کردن سود مادی در چارچوب مبانی اسلامی می‌تواند رضایت خاطر مادی کارفرما را تأمین نماید؛ بنابراین با توجه به درجه ایمان و تعهد کارفرما که در این مطالعه با شاخص نوع دوستی وی اندازه‌گیری می‌شود، تولیدکننده می‌تواند به گونه‌ای رفتار کند که نسبت‌های مختلفی از هر یک از دو نوع رضایت خاطر تأمین گردد؛ برای مثال ممکن است رفتار وی طوری باشد که تأمین رضایت خاطر غیرمادی با رضایت خاطر مادی در جهت مخالف هم قرار گرفته، منجر به کاهش رضایت خاطر کل وی گردد. بنابراین IM_i را می‌توان معادل هزینه فرصت کسب رضایت خاطر غیرمادی (میزان بخشی از سود که صرف کسب رضایت خاطر غیرمادی می‌شود یا با صرف نظر از کسب آن میزان سود، رضایت خاطر غیرمادی بیشتری حاصل می‌گردد) فرض کرده، M_i را مانده سود برای کسب رضایت خاطر مادی در نظر گرفت. از آنجا که مجموع حداکثر سود ممکن - در شرایط فروض اقتصاد متعارف - صرف کسب این دو نوع رضایت خاطر می‌شود، دارایی در دسترس تولیدکننده برای این امر را می‌توان معادل حداکثر سود متعارف (رابطه ۱۲) فرض کرد.

$$Max \pi = TR(q) - TC(q) \quad -12$$

هرچقدر سود احتمالی بیشتری انتظار رود، منابع قابل دسترس برای کسب رضایت خاطر کل افزایش می‌یابد؛ بنابراین رابطه ۱۱ را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$Max U_t = U(M_i + IM_i) \rightarrow st: M_i + IM_i = Max \pi \quad -13$$

که تابع هدف کارفرما با تشکیل تابع لاگرانژ بهینه می‌شود:

$$L = U(M_i + IM_i) + \lambda(Max \pi - M_i - IM_i) \quad -14$$

اگر از رابطه ۱۴ نسبت به IM_i و M_i مشتق جزئی گرفته شود، روابط زیر حاصل خواهد شد:

$$\frac{\partial L}{\partial M_i} = U'(M_i) - \lambda = 0 \quad -15$$

$$\frac{\partial L}{\partial IM_i} = U'(IM_i) - \lambda = 0 \quad -16$$

$$\frac{\partial L}{\partial \lambda} = Max \pi - M - IM = 0 \quad -17$$

با تقسیم رابطه ۱۵ بر ۱۶ موارد زیر به دست می‌آید:

$$\frac{U'(M_i)}{U'(IM_i)} = \frac{-\lambda}{-\lambda} \rightarrow U'(M_i) = U'(IM_i) = \lambda, \quad \frac{U'(M_i)}{\lambda} = 1, \quad \frac{U'(IM_i)}{\lambda} = 1 \quad -18$$

با توجه به روابط بالا شرط لازم برای بهینه شدن رضایت خاطر تولیدکننده از برابری رضایت خاطر نهایی مادی و رضایت خاطر نهایی غیرمادی هر واحد هزینه در راه کسب رضایت حاصل می‌شود که برای برقراری شرط کافی حداکثرسازی رضایت خاطر کارفرما می‌بایست این تابع شبه مقعر معین باشد که بدین منظور باید دترمینال ماتریس هشین مرزی تابع لاگرانژ مثبت گردد (واریان، ۱۳۹۰، ص ۵۷۵). بنابراین با استفاده از مشتقات جزئی مرتبه دوم تابع لاگرانژ نسبت به M_i و IM_i و λ باید رابطه ۱۹ برقرار گردد.

-۱۹

$$\begin{vmatrix} \frac{\partial^2 L}{\partial \lambda^2} & \frac{\partial^2 L}{\partial \lambda \partial (M_i)} & \frac{\partial^2 L}{\partial \lambda \partial (IM_i)} \\ \frac{\partial^2 L}{\partial \lambda \partial (M_i)} & \frac{\partial^2 L}{\partial (M_i)^2} & \frac{\partial^2 L}{\partial (M_i) \partial (IM_i)} \\ \frac{\partial^2 L}{\partial \lambda \partial (IM_i)} & \frac{\partial^2 L}{\partial (IM_i) \partial (M_i)} & \frac{\partial^2 L}{\partial (IM_i)^2} \end{vmatrix} > 0 \rightarrow |H| = \begin{vmatrix} 0 & -1 & -1 \\ -1 & U''(M_i) & 0 \\ -1 & 0 & U''(IM_i) \end{vmatrix} > 0$$

به طور ضمنی هزینه‌های SMC تأثیر خود را در مرحله تخصیص سود بین کسب رضایت خاطر مادی و غیرمادی بر رفتار تولیدکننده می‌گذارد؛ زیرا این تخصیص می‌بایست بر اساس یکی از راهبردهای مد نظر کارفرما همانند موارد ذکر شده توسط عزتی (۱۳۸۹) -مانند تولید به کسب حداکثر رضایت خاطر اخروی به همراه حداکثر مانده سود برای کسب رضایت دنیوی بینجامد یا تولید به کسب رضایت خاطر اخروی غیرحداکثری همراه حداکثر مانده سود برای کسب رضایت خاطر دنیوی منجر شود و... صورت گیرد که راهبرد انتخابی با توجه به سطح ایمان و میزان نوع دوستی تولیدکننده متأثر از اهداف کلان و راهبردی جامعه خواهد بود. بنابراین هرچند ممکن است بهینه‌یابی تولیدکننده با افزایش تولید یا افزایش سود مادی منافات داشته باشد، با توجه به درجه ایمان و پای‌بندی به مصلحت جامعه، به رضایت خاطر غیر مادی خود افزوده و از مانده سود برای کسب رضایت خاطر مادی می‌کاهد.

اکنون اگر بر پایه پیش‌فرض چهارم فرض شود که IM_i در تابع رضایت خاطر کارفرما معادل درصدی از تفاضل درآمد دوره جاری و هزینه‌های عوامل در دوره گذشته باشد (رابطه ۲۰)، زیرا کارفرما قصد دارد آثار رفتار نوع‌دوستانه خود در دوره گذشته را بر بهبود کارایی دوره جاری عوامل تولید و البته افزایش سطح کل رضایت خود با برقراری این فرض مشاهده نماید که بر اثر انگیزشی ناشی از نتیجه این مشاهده بتواند به طور مناسب‌تری رفتارهای

نوع دوستانه سال جاری را به منظور بهینه‌ترکردن تابع رضایت خاطر خویش برنامه‌ریزی و اجرا نماید و فرض شود که M_t معادل سود دوره جاری کارفرما باشد (رابطه ۲۱) (این فرض در واقع با این دید که ممکن است کارفرمایی میل نوع دوستانه - میل به کسب رضایت خاطر اخروی - بسیار نزدیک به صفر داشته باشد، از سوی نویسندگان مقاله به صورت رابطه ۲۱ مطرح گردیده و گویای این واقعیت است که در شرایط حدی ممکن است تمام سود حاصل برای رضایت مادی هزینه گردد).

در صورتی که روابط ۲۲ و ۲۳ - در رابطه ۲۳ تابع تولید در اقتصاد اسلامی همانند عسگری و زنگی‌نژاد (۱۳۹۲) شامل عامل برکت الهی (B) نیز می‌باشد که برای سادگی تحلیل فرض می‌شود این عامل از طریق بهبود بهره‌وری عوامل تولید بر تولید اثر می‌گذارد، بنابراین به صورت مستقیم در روابط بهینه‌سازی مشاهده نمی‌شود) نیز برقرار باشند، روابط ۳ و ۶ به صورت روابط ۲۴ و ۲۵ بازنویسی می‌شود:

$$IM_t \cong \delta \cdot (TR_t - TC_{t-1}) \quad -20$$

$$M_t \cong TR_t - TC_t \quad -21$$

$$P = 1 \quad -22$$

$$Q = F(BAL_i K_i) \quad -23$$

$$TU_{MF} = U(\pi) + \delta \cdot U(\pi) \quad -24$$

طبق روابط ۲۰ و ۲۱، رابطه ۲۴ را می‌توان با استفاده از تفاضل درآمد و هزینه (سود) بیان نمود؛ بنابراین رابطه ۲۵ معادل با رابطه فوق است.

$$TU_{MF} = (TR_t - TC_t) + \delta \cdot (TR_t - TC_{t-1}) \quad -25$$

با توجه به اینکه قیمت کالا برابر با یک فرض شده، درآمد برابر با تولید خواهد بود که با جای‌گذاری معادل رایج TR و TC در رابطه ۲۵ رابطه ۲۶ به عنوان تابع هدف جدید کارفرما حاصل می‌شود.

-۲۶

$$TU_{MF} = q(L_i, k_i) - (w_i L_i + r_i K_i) + \delta \cdot [q(L_i, k_i) - (w_i L_i + r_i K_i)_{t-1}]$$

که اگر از رابطه ۲۶ نسبت به L_i و K_i مشتق جزئی گرفته و مساوی صفر قرار داده شود، شرط اول بهینه‌یابی هدف کارفرما به صورت روابط ۲۷ و ۲۸ حاصل می‌گردد.

$$\frac{\partial TU_{MF}}{\partial L_i} = q'(L_i) - w_i + \delta \cdot (q'(L_i) - w_{i_{t-1}}) = 0 \quad -27$$

$$\frac{\partial TU_{MF}}{\partial K_i} = q'(K_i) - r_i + \delta \cdot (q'(K_i) - r_{i_{t-1}}) = 0 \quad -28$$

برای برقراری شرط کافی می‌بایست تابع هدف مقعر باشد؛ بنابراین باید دترمینال‌های ماتریس هشین (متشکل از مشتقات جزئی مرتبه دوم تابع هدف) متناوباً منفی و مثبت گردند، یعنی رابطه ۲۹ برقرار باشد (صمیمی و طهرانچیان، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸).

-۲۹

$$|H_1| = |q''(L_i) + \delta \cdot q''(L_i)| < 0, |H_2| = \begin{vmatrix} q''(L_i) + \delta \cdot q''(L_i) & 0 \\ 0 & q''(K_i) + \delta \cdot q''(K_i) \end{vmatrix} > 0$$

با حل روابط ۲۷ و ۲۸ برای w_i و r_i ، دو رابطه زیر به دست می‌آید:

$$w_i = q'(L_i) + \delta \cdot (q'(L_i) - w_{i_{t-1}}) \quad -30$$

$$r_i = q'(K_i) + \delta \cdot (q'(K_i) - r_{i_{t-1}}) \quad -31$$

با توجه به روابط بالا، سهم انواع کار و سرمایه از هر واحد کالای تولید شده، برابر است با تولید نهایی هر عامل به علاوه درصدی از تولید نهایی آن عامل منهای سهم دریافتی دوره گذشته عامل مزبور).

در صورتی که سه شرط الف، ب و ج برقرار باشد:

الف) مشابه مطالعات گذشته همچون *خاندوزی و افسری (۱۳۹۷)* مقادیر دو شاخص منفرد برکت الهی و نوع دوستی بین صفر و یک فرض می‌شود.

ب) رضایت خاطر کارفرما در ناحیه‌ای بهینه می‌شود که تولید نهایی انواع کار و سرمایه مثبت باشد.

ج) شاخص برکت الهی تابعی مستقیم از میل نوع دوستی دوره گذشته کارفرما می‌باشد تا بتوان نحوه اثرگذاری رفتار نوع دوستانه دوره گذشته بر افزایش تولید دوره جاری به صورت برکت الهی را مشاهده کرد.

آن‌گاه می‌توان نکات زیر را از روابط ۳۰ و ۳۱ استنباط نمود:

۱- در روابط مزبور که از دو بخش تشکیل شده‌اند، بخش اول معادل با سهمی است که در اقتصاد متعارف به هر عامل پرداخت می‌شود و بخش دوم از تفاضل تولید نهایی دوره جاری و سهم دوره گذشته عوامل تشکیل شده است. بنابراین با توجه به اینکه تولید نهایی عوامل مثبت فرض شده، هر عامل با آگاهی از نحوه تعیین سهم خود تلاش می‌کند با افزایش

کارایی و بهره‌وری خود نسبت به دوره قبل، موجب مثبت شدن علامت بخش دوم و در نتیجه کسب سهم بیشتری نسبت به دوره گذشته و شرایط اقتصاد متعارف گردد؛ به عبارت دیگر در صورت کاهش بهره‌وری عوامل نسبت به دوره قبل سهم تعلق گرفته به آنها می‌تواند از سهم دوره گذشته و حتی سهم متعلقه در شرایط اقتصاد متعارف کمتر باشد.

۲- طبق آنچه در توضیح چرایی رابطه ۲۰ بیان شد، ضریب برکت الهی به صورت تابعی مستقیم از ضریب نوع دوستی دوره گذشته در تابع تولید فرض می‌شود؛ بنابراین هرچقدر کارفرما در دوره گذشته نوع دوستی بیشتری داشته باشد، در دوره جاری برکت الهی بیشتری را در تولید خویش مشاهده خواهد کرد که این امر می‌تواند از طریق افزایش بهره‌وری عوامل موجب افزایش سود دوره جاری و در نتیجه افزایش میزان سهم کارفرما و سایر عوامل شده، انگیزه‌های نوع دوستانه کارفرما را افزایش دهد.

(د) نحوه پرداخت پاداش عوامل

برای بررسی چگونگی پرداخت سهم عوامل باید به نکات زیر توجه نمود:

۱- در تولید اولیه که تولید روی مواد طبیعی موجود در طبیعت به نحوی که تا آن موقع هیچ انسان دیگری بر روی آن کاری نکرده یا تغییر شکل و ماهیتی در آن نداده باشد، صورت می‌گیرد، مانند استخراج از معادن، ماهیگیری، تولیدات کشاورزی - که بذریه متعلق به دیگری نباشد - به طور کلی نیروی کار مالک محصول یا تمام درآمد تولید می‌باشد که استفاده از ابزار تولید حقیقی برای صاحب ابزار نسبت به محصول تولید شده ایجاد نمی‌کند و وی تنها مستحق اجرت خواهد بود (صدر، ۱۳۷۸، صص ۳۳۶ و ۵۰۲ / امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۶۳۹).

۲- در تولید ثانویه، تولید روی موادی صورت می‌گیرد که قبلاً به مالکیت خصوصی درآمده باشد که طبق مفاهیم اسلامی محصول متعلق به مالک مواد اولیه خواهد بود. در این شرایط حق مالکیت مواد اولیه بر نیروی کار صرف شده، در تولید تقدم زمانی دارد؛ بنابراین مالک مواد اولیه مختار است در خصوص نحوه تخصیص منافع تولید بین عوامل طبق ضوابط مد نظر اسلام تصمیم‌گیری کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۴۰ و ۶۴۴).

۳- در خصوص سهم صاحب سرمایه فیزیکی (ابزار) برخی فقها مانند شهید صدر بر پرداخت اجرت ثابت تأکید کرده که مبنای دریافت اجرت، استهلاک کار متراکمی است که

در فرایند تولید رخ می‌دهد (رجایی و مهدوی وفا، ۱۳۹۵، ص ۱۹۷)؛ در حالی که بسیاری از فقها مانند امام خمینی و شهید ثانی پرداخت سهمی از محصول را با در نظر گرفتن شرایطی جایز دانسته‌اند که اصل آزادی قراردادها و تنوع قراردادهای اسلامی در فقه و حقوق و ثمرات مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی مبنای این جواز می‌باشد (زاهد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳). بنابراین طبق مبانی نظری و سه نکته ذکر شده، سهم عوامل گوناگون به شرح زیر پرداخت خواهد شد:

۱) سهم نیروی کار در شرایطی که کارفرما تنها از نیروی خود برای تولید استفاده می‌کند: در این حالت چون تنها عامل تولید خود کارفرماست، همه محصول (سود) تولید شده متعلق به وی است؛ منتها قطعاً وی باید مقداری از سود حاصل شده را (با رعایت قیود لازم) صرف کسب رضایت خاطر معنوی نماید که این امر را از طریق صرف $\delta \cdot Max\pi_t$ در امور مختلفی که منجر به کسب رضایت خاطر معنوی می‌شود، انجام می‌دهد؛ بنابراین پاداش نهایی وی از تولید کالای X برابر با رابطه زیر خواهد بود:

$$w_L = Max\pi_t - \delta \cdot Max\pi_t \quad -32$$

یعنی سهم نیروی کار (کارفرما) برابر با حداکثر سود جاری منهای درصدی از سود جاری با توجه به درجه نوع دوستی وی خواهد بود که با توجه به وجود عامل برکت الهی در تابع تولید می‌توان تأثیر مثبت آن بر تولید و در نتیجه سود مادی، رضایت خاطر معنوی و در نهایت بهینه‌تر شدن کل رضایت خاطر وی در دوره جاری و حتی دوره‌های بعدی را متصور بود. در این حالت بین تولید اولیه و ثانویه تفاوتی وجود ندارد. طبق رابطه ۳۲ هرچقدر سود مشروع تولید بیشتر شود، سهم کارفرما (نیروی کار)، رضایت خاطر معنوی و کل رضایت خاطر کارفرما افزایش می‌یابد.

۲) کارفرما نقش مدیر را داشته و برای تولید از نیروی کار و سرمایه استفاده می‌کند که سهم هر عامل از روابط زیر حاصل می‌شود:

$$If: i = L \rightarrow w_{L_t} = P_t \cdot fL_t + \delta \cdot (P_t \cdot fL_t - w_{t-1}) \cong \omega \cdot Max\pi \quad -33$$

پاداش نیروی کار در تولید اولیه نمی‌تواند به صورت اجرت پرداخت شود؛ بنابراین متناسب با عملکرد نیروی کار، شاخص نوع دوستی کارفرما، سهم عوامل در دوره گذشته و جاری و قیمت کالا، سهمی از محصول محاسبه و به وی پرداخت می‌گردد که در رابطه ۳۳

ضریب $0 < \omega < 1$ نشان‌دهنده درصد سود تعلق‌گرفته به نیروی کار است که خود بر اساس اجزای تعیین‌کننده معیار سهم‌بری عوامل تعیین می‌شود. اما در تولید ثانویه برای همه عوامل انسانی امکان پرداخت پاداش به صورت سهمی از محصول یا اجرت یا ترکیبی از هر دو امکان‌پذیر است. بنابراین رابطه ۳۴ برقرار خواهد بود.

$$If: i = L \rightarrow w_{Li} = P_t \cdot fL_{it} + \delta(P_t \cdot fL_{it} - w_{i,t-1}) \cong \omega \cdot \text{Max}\pi \text{ یا } \widehat{w}_t \quad -34$$

$$If: i \text{ سرمایه مالی} \rightarrow r_{it} = P_t \cdot fK_{it} + \delta \cdot (P_t \cdot fK_{it} - r_{i,t-1}) \cong \omega \cdot \text{Max}\pi \quad -35$$

با توجه به آنچه در مبانی نظری مبنی بر منع ربا در اسلام و مستهلک‌نشدن پول مطرح شد، پرداخت اجرت ثابت به صاحب سرمایه مالی جایز نیست؛ بنابراین پاداش وی طبق رابطه ۳۵ می‌بایست به صورت درصدی از محصول (سود) -طبق معیار سهم‌بری- تعیین و پرداخت شود که این کار بر اساس اندازه ω برای سرمایه مالی صورت می‌گیرد.

$$If: i \text{ سرمایه فیزیکی} \rightarrow r_{it} = P_t \cdot fK_{it} + \delta \cdot (P_t \cdot fK_{it} - r_{i,t-1}) \cong \omega \cdot \text{Max}\pi \text{ یا } \widehat{r} \quad -36$$

اگر سرمایه فیزیکی -شامل ابزار، ساختمان، زمین و آب- از بازار کالا خریداری و در اختیار کارفرما قرار گیرد، جزء هزینه‌های غیردستمزدی محسوب می‌شود. در صورتی که سرمایه فیزیکی از طریق بازار اجاره عوامل در اختیار کارفرما قرار گیرد، به صاحبان آن اجرت ثابت برابر با \widehat{r} در رابطه ۳۶ تعلق و طبق قرارداد اجاره‌ای که با صاحبان عوامل منعقد می‌گردد، به آنها پرداخت می‌شود و در صورتی که سرمایه فیزیکی طبق قراردادهای مشارکت در سود -بر مبنای قدرت تصمیم‌گیری مالک اصلی محصول- در اختیار کارفرما قرار گیرد، سهم صاحبان آن به صورت درصدی از محصول پرداخت خواهد شد.

اگر تولید کالای کشاورزی مد نظر باشد، علاوه بر عوامل تولید رایج، با توجه به وضعیت کمیابی آب و منابع آبی، آب مصرفی به عنوان یکی از عوامل تولید مستقل از زمین فرض می‌شود که از دو منظر می‌توان موضوع را بررسی کرد: اولاً اگر آب به عنوان کالای مصرفی یعنی یکی از مواد اولیه کمکی -همچون کود یا سم- در نظر گرفته شود، قیمت آن در بازار کالا و از طریق قوانین بازار کالا تعیین و در هزینه‌های غیردستمزدی لحاظ می‌شود. ثانیاً اگر صاحب منبع آبی، منبع آبی را از طریق بازار اجاره در اختیار کارفرما قرار دهد، سهم صاحبان منبع آبی از الگوی پرداخت به صاحبان سرمایه‌های فیزیکی پیروی خواهد کرد (رابطه ۳۷).

$$If: i \text{ منبع آبی} \rightarrow r_{it} = P_t \cdot fK_{it} + \delta \cdot (P_t \cdot fK_{it} - r_{i,t-1}) \cong \omega \cdot \text{Max}\pi \text{ یا } \widehat{r} \quad -37$$

اما سهم کارفرما در این حالت همانند رابطه ۳۲ برابر با حداکثر سود جاری - کسب شده با موازین اسلامی و کسر هزینه عوامل تولید - منهای درصدی از سود جاری با توجه به درجه نوع دوستی کارفرما خواهد بود. شایان توجه اینکه شرط برابری رضایت خاطر غیرمادی نهایی با رضایت خاطر مادی نهایی حتماً در رفتار تخصیصی کارفرما منظور خواهد شد.

(۳) سهم عوامل در تولید خدمات: گذشته از تعاریف خدمت، سهم هر یک از عوامل دخیل در تولید، بر اساس همان قواعد سهم‌بری عوامل در تولید کالا تعیین و پرداخت خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله حاضر حاکی از این است که توجه به معیار شایستگی و عدالت در الگوی سهم‌بری عوامل تولید با تمرکز بر نوع انگیزه مالک بنگاه می‌تواند تصویر دقیق‌تری را از الگوی مد نظر اسلام ارائه نماید که مهم‌ترین این یافته‌ها عبارت‌اند از:

الف) در صورت برقراری فرض‌های مطرح شده در مدل و با توجه به تولید نهایی مثبت عوامل، مثبت بودن شاخص‌های نوع دوستی و برکت الهی و دوبرخشی بودن روابط نهایی تعیین سهم عوامل (۳۰ و ۳۱)، سهم تعلق‌گرفته به عوامل معمولاً می‌تواند بیشتر از سهم تعلق‌گرفته به آنها در شرایط اقتصاد متعارف باشد.

ب) بر اساس ساختار الگوی استخراج شده به‌خوبی اثر مثبت افزایش کارایی و نوع دوستی عوامل و کارفرما در یک دوره بر کارایی، نوع دوستی و سهم دوره بعدی آنها قابل مشاهده می‌باشد؛ به عبارت دیگر طبق روابط ۳۰ و ۳۱ که از دو بخش تشکیل شده‌اند، بخش اول معادل با سهمی است که در اقتصاد متعارف به هر عامل پرداخت می‌شود و بخش دوم از تفاضل تولید نهایی دوره جاری و سهم دوره گذشته، عوامل تشکیل شده است. بنابراین با توجه به اینکه تولید نهایی عوامل مثبت فرض شده است، هر عامل با آگاهی از نحوه تعیین سهم خود تلاش می‌کند با افزایش میل نوع دوستی، کارایی و بهره‌وری خود نسبت به دوره قبل، موجب مثبت شدن علامت بخش دوم و در نتیجه کسب سهم بیشتری نسبت به دوره گذشته و شرایط اقتصاد متعارف گردد.

ج) الگوی ارائه شده تا حد امکان مفاهیم مد نظر اسلام در خصوص سهم‌بری عوامل را در خود گنجانده و به نوعی از این منظر از جامعیت برخوردار است؛ به نحوی که حتی بر جزئیات بعضاً مغفول مانده‌ای همچون سهم صاحبان منبع آبی نیز پرداخته است. در نهایت اینکه الگوی ارائه شده در واقع بخش اول یک الگوی سه‌بخشی است که دو بخش بعدی - شامل بنگاه‌های شراکتی و بنگاه‌های دولت - طی مقالات جداگانه‌ای ارائه خواهد گردید تا بتوان از آن در تحلیل کارآمدتر سهم‌بری عوامل یا حتی در کاربردهای سیاستی احتمالی استفاده بهتری نمود.

منابع و مأخذ

- * قران کریم.
* نهج البلاغه.
۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۷). نظریات عدالت در اندیشه سیاسی ابن‌خلدون. مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۸ (۷۷۸).
 ۲. پیغامی، عادل و همکاران (۱۳۹۴). بازخوانی نظریه شهید صدر در الگوی فقهی توزیع درآمد میان عوامل تولید بر اساس نظریه عاملیت. معرفت اقتصاد اسلامی، ۶ (۲).
 ۳. نفضلی، فریدون (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران، نشر نی.
 ۴. توتونچیان، ایرج (۱۳۸۰). تأثیر قیمت‌گذاری بر سهم نیروی انسانی و بر ضریب تکاثری سرمایه در اقتصاد اسلامی. مجموعه مقالات کنفرانس پولی و ارزی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
 ۵. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی (ره) و شهید صدر. تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره).
 ۶. خاندوزی، سیداحسان، و افسری، علی (۱۳۹۷). تحلیل الگوی سهم‌بری عادلانه عوامل تولید با رویکرد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۱)، ۳۷-۶۵.
 ۷. داب، موریس (۱۳۸۱). تئوری‌های ارزش و توزیع از زمان آدام اسمیت. ترجمه تیموری، حبیب‌اله، چاپ اول، تهران، نشر نی.
 ۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۳). درآمدی بر اقتصاد اسلامی. تهران، انتشارات سمت.

۹. راولز، جان (۱۳۸۳). *عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی*. ترجمه عرفان ثابتی، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۰. رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۹). *الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر تفسیر قرآن*. نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۱۱ (۴۲)، ۲۲۴-۲۰۱.
۱۱. رجایی، سیدمحمدکاظم، و مهدوی وفا، سعید (۱۳۹۵). *شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید با نگرش اسلامی*. *دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، ۱ (۱)، ۱۸۳-۲۲۱.
۱۲. زاهد، علی، و همکاران (۱۳۹۹). *سهم‌بری ابزار تولید از محصول؛ رویکردی فقهی اقتصادی: با تأکید بر اندیشه‌های شهید صدر*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷۹.
۱۳. زنگی‌نژاد، آیت‌اله و عسگری، محمد مهدی (۱۳۹۲). *نگاهی نوین به نظریه تولید در چارچوب اقتصاد اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی تهران.
۱۴. سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان (۱۳۷۵). *مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۸). *اقتصادنا*. چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۶. جعفری صمیمی، احمد، و طهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۸۸). *اقتصاد ریاضی*. انتشارات دانشگاه مازندران.
۱۷. شاکری، عباس، و مالکی، امین (۱۳۸۸). *تحول در اندیشه توزیع درآمد در قرن بیستم: حرکت از توزیع تابعی به توزیع مقداری درآمد*. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹ (۴).
۱۸. شوقی الفنجری، محمد (۱۳۸۱). *مبانی نظری توزیع عادلانه*. ترجمه یوسف محمدی، دو فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۷، ۱۳۷-۱۶۰.
۱۹. عسگری، محمد مهدی و ذوالفقاری، امیراحمد (۱۳۹۷). *بررسی سیاست تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد اسلامی*. *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲۳، ۸۷-۱۰۸.
۲۰. عزتی، مرتضی (۱۳۸۹). *تبیین رفتار تولیدکننده مسلمان*. *دوفصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۳۹، ۳۵-۶۹.
۲۱. علی کرمانی، محمد، و دیگران (۱۳۹۱). *مدل‌های تعیین و مدیریت دستمزد نیروی کار در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با مدل نئوکلاسیک*. *نشریه مدیریت فردا*، ۱۱ (۳۳)، ۹۵-۱۱۴.
۲۲. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی در اسلام*. تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۳. ندری، کامران، و قلیچ، وهاب (۱۳۸۸). جستاری پیرامون معیارها و چارچوب نظام توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲ (۱).
۲۴. فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۶). کارکرد اقتصادی دین اسلام (توزیع ثروت و درآمد). *قیاسات*، ۲۲ (۸۶)، ۱۰۳-۱۲۸.
۲۵. قپانچی، سیدصدرالدین (۱۳۶۲). *اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر*. ترجمه شریعتمداری، تهران، نشر رسا.
۲۶. قدیری اصل، باقر (۱۳۶۴). *سیراندیشه اقتصادی*. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*. ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشارات.
۲۸. ماسگریو، ریچارد ابل، و ماسگریو، پگی (۱۳۷۲). *مالیه عمومی در تئوری و عمل*. ترجمه محمدی، مسعود، و یدالله ابراهیمی فر، ج ۲، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۲۹. مهرگان، نادر، و همکاران (۱۳۷۸). رابطه حداقل دستمزد با توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۳).
۳۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۱. میر معزی، سیدحسین (۱۳۸۳). تعادل در بازارکار واستخراج عرضه کل در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۴ (۱۵)، ۹-۴۰.
۳۲. واریان، هال (۱۳۹۰). *تحلیل اقتصاد خرد*. ترجمه حسینی، رضا، تهران، نشر نی.
33. Atkinson, A. B. (2009). Factor shares: the principal problem of political economy. *Oxford Review of Economic Policy*, 25 (1).
34. Abbas, Abdel Rahman B. M. (1995). Islamic Economics: A Psycho-ethical Paradigm. *Al-Ta'sil* 2.
35. Akhtar, M. Ramzan (1993). An Islamic Framework for Employer-Employee Relationships. *the American Journal of Islamic Social Sciences*.
36. Bentolila, S., and Saint Paul, G. (2003). Explaining Movements in the Labor Share. *Contributions to Macroeconomics*, 3, article 9.
37. Bendjilali, Boualem & Farid B. Taher (1990). A Zero Efficiency Loss Monoplist: An Islamic Perspective. *the American Journal of Islamic Social Sciences*, 7 (1).

38. Feldstein, M. S. (2008). Did Wages Reflect the Growth in Productivity. *NBER Working Paper 13953*.
39. Hayek.F.A.(1960),The Constitution of Liberty, Chicago: University of Chicago Press.
40. Iqbal, Munawar (1992). Organization of Production and Theory of Firm Behaviour from an Islamic Perspective. in *Lectures on Islamic Economics*, Ausaf Ahmad and Kazim Raza Awan (Ed.). Jeddah: Islamic Research and Training Institute, IDB,
41. Jacobson, M. and F. Occhino (2012a). *Behind the Decline in Labors Share of Income*. Federal Reserve Bank of Cleveland.
42. John Stuart Mill (1885). *Principles of Political Economy*. Abridged, a Text-Book for Colleges. New York.
43. Kahf, Monzer (1978). *the Theory of Production, in the Islamic Economy; Analytical Study of the Functioning of the Islamic Economic System*, Plainfield, Indiana, The Muslim Students' Association of the United States and Canada.
44. Kahf, Monzer (2014). *NOTES ON ISLAMICS ECONOMICS*.
45. Kruse, D. L., Freeman, R. B., and Blasi, J. R. (2010). *Shared Capitalism at Work: Employee Ownership, Profit and Gain Sharing and Broad-Based Stock Options*. Chicago: The University of Chicago Press.
46. Sadeq, Abul Hassan M. (1989). Factor pricing and Income Distribution from an Islamic perspective. *Journal of Islamic Economics*, 2.
47. Abdullah Yosef, Selamah and Mohammad Amin, Ruzita (2007). A survey on the objective of the firm and Models of producer behavior in the Islamic Framework. *J. KAU: Islamic econ*, 20 (2), 3-16.
48. Siddiqi, Muhammad Nejatullah (1979). *The Economic Enterprise in Islam*. 2nd edition, Lahore, Pakistan: Islamic Publications.
49. Mannan, Muhammad Abdul (1992). *The Behaviour of the Islamic*

Firm and Its Objectives in an Islamic Framework. in *Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective*, edited by Sayyid Tahir, Aidit Ghazali and Syed Omar Syed Agil. Petaling Jaya: Longman Malaysia Sdn. Bhd, 120-130.

